

تغییر الگو و عناصر فرهنگی از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای

سیدعلیرضا هاشمی^۱

چکیده

یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر در زندگی شهری، دگرگونی در خانواده است. تحول در خانواده ایرانی، در ابعاد گوناگون روی داده است. دامنه این تحول، از نخستین مرحله یعنی همسریابی و همسرگزینی آغاز می‌شود و بعد از آن، تداوم زندگی خانوادگی، روابط بین اعضای خانواده، تغییر نگرش‌ها، تغییر کارکرد اعضا و انگاره‌های روابط بین زن و مرد، تغییر در سبک زندگی و بسیاری مسائل دیگر را دربرمی‌گیرد. به طوری که اغلب مردم این‌گونه احساس می‌کنند که در فضای خانوادگی گذشته، روابط خویشاوندی و عاطفی بیشتری وجود داشته است. در این مقاله، تغییرات روی داده در خانواده‌های گسترده و تغییرات در عناصر فرهنگی خانواده مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه: خانواده ایرانی، تغییرات خانواده، خانواده گسترده، خانواده

هسته‌ای، سبک زندگی در خانواده‌های ایرانی

۱. دانشجوی دکتری فولکلور از دانشگاه ملی تاجیکستان و پژوهشگر مدیریت آموزش و پژوهش
معاونت برنامه‌ریزی و نظارت صداوسیما
400hashemi@gmail.com

مقدمه

مفهوم خانواده تا نیمه سده نوزدهم، با افکار و دیدگاه‌های فلسفی همراه بود و خانواده، پدیده‌ای مقدس، ایستا و بی‌تغییر در نظر گرفته می‌شد. خانواده، مظهر عشق و عدالت به شمار می‌رفت و از همین رو، بحث درباره خانواده و قانون ازدواج و انواع روابط خویشاوندی، تا اندازه‌ای کفر و اهانت به مقدسات بود. اما بررسی موضوع خانواده از نیمه قرن نوزدهم، به تدریج در معرض تغییر و دگرگونی قرار گرفت و گسترش دیدگاه‌ها و بحث‌های بی‌شماری را سبب گردید. (مقصودی، ۱۳۸۶: ۷)

در دوره‌های بعد «تجمع اطلاعات پیرامون خانواده و خویشاوندی توسط میسیونرها، جهانگردان، تجار و پژوهشگران سبب شد که به خانواده نگاهی نو افکنده شود و این نخستین بار بود که متفکرین به خانواده، نه به صرف پدیده‌ای آسمانی، بلکه به صورت پدیده زمینی نگاه می‌کردند. به بیان دیگر، تقدس‌زدایی از خانواده، نهاد ازدواج و خویشاوندی را از آسمان به زیر می‌کشاند و آن را به شکل تعهدی انسانی و وفاداری ساده و قراردادی میان زن و مرد، در می‌آورد» (همان: ۱۳). از این هنگام، تلاش گسترده‌ای برای مشاهده و تحلیل الگوهای مختلف خانواده در سراسر جهان و مقایسه آنها با یکدیگر آغاز شد.

اساسی‌ترین دگرگونی‌هایی که طی چند دهه اخیر در ساخت روابط خانوادگی در اغلب نقاط دنیا روی داده است، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای است. از این رو، در طی سال‌های اخیر و تقریباً در بیشتر کشورها به تدریج از وسعت ابعاد خانواده کاسته شده یا در حال کاسته شدن است؛ فرایندی که در جامعه و فرهنگ ایران نیز، بویژه در شهرهای بزرگ قابل مشاهده است.

درحقیقت شرایط نهاد خانواده در سایر کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی - که تا حدودی موجب زوال و فروپاشی خانواده در آن جوامع شده است -



نگرانی‌های بنیادی را برای متولیان، تصمیم‌گیرندگان و پژوهشگران علوم اجتماعی ایجاد کرده است. هر چند به نظر می‌رسد، نهاد خانواده در ایران از لحاظ سنتی و تأثیرگذاری، نهادی بسیار مستحکم به‌شمار می‌آید، ولی باید گفت از آنجا که هر نوع اخلال و آشفتگی در نهاد خانواده در ایران تأثیرات شگرفی بر عملکرد سایر نهادهای اجتماعی خواهد داشت، دقت و رصد تحولات آن حایز اهمیت بسیار است. بویژه آنکه، مقایسه بین خانواده گسترده و هسته‌ای و تغییرات آن طی زمان از جنبه فرهنگی نشان از نوعی گسست فرهنگی و تغییر عناصر فرهنگی در خانواده دارد.

خانواده و انواع آن

اصطلاح خانواده گاه به گروهی از افراد که روابط «زن و شوهری» یا «پدر و مادر و فرزندی» میانشان وجود دارد، اطلاق می‌شود و گاه مفهومی از یک گروه اجتماعی محدود را دربردارد که افرادش با روابط گوناگونی، از جمله روابط خویشاوندی، به یکدیگر مربوط‌اند.

خانواده زن و شوهری، شامل پدر و مادر و فرزندان که بر اساس ازدواج به وجود می‌آید و دارای وظایف عاطفی، مذهبی، تربیتی و غیره است و مشخصه آن روابط خاص میان پدر و مادر، والدین و فرزندان و خواهران و برادران است (بهنام، ۱۳۵۲: ۹). در ازدواج، مرد و زن به طور آزادانه و کامل طی یک دوره زمانی نامشخص متعهد به یکدیگر می‌شوند تا واحد پویایی را به عنوان خانواده ایجاد کنند. خانواده یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که همواره در طول تاریخ، از تمامی تغییر و تحولات نهادهای مختلف جامعه تأثیر پذیرفته و بر آنها تأثیر گذاشته است.

خانواده را می‌توان با توجه به ملاک‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد:

الف) وسعت ابعاد خانواده؛ شامل گسترده و هسته‌ای

ب) شیوه ازدواج؛ از نظر تک‌همسری و چندهمسری

ج) نحوه انتخاب همسر؛ به صورت درون‌گروهی و برون‌گروهی

د) مرکز ثقل قدرت؛ به مفهوم پدرسالار، تساوی گرا یا مادرسالار
ه) منشأ و نسبت؛ به شکل پدر تبار یا مادر تبار
و) محل اقامت؛ به صورت پدرمکان، مادرمکان یا نومکان
بررسی هر یک از انواع خانواده، گویای تغییرات کلان در جوامع امروزی
است. از این رو در اینجا تنها به تغییرات خانواده در ابعاد آن که شامل خانواده
گسترده و خانواده هسته‌ای است، توجه می‌شود.



خانواده گسترده

خانواده گسترده خانواده‌ای است که بر بستگی‌های نسبی و سببی استوار است و شامل چند گروه خونی و چند گروه زناشویی است. خانواده گسترده، فرزندان خود را پس از ازدواج در خود جای می‌دهد و گسترش آن نیز به همین لحاظ است و به این ترتیب ممکن است چند نسل زیر یک سقف و در یک خانه مشترک زندگی کنند (وٹوقی و نیک خلق، ۱۳۷۱: ۱۶۸). در این شکل از خانواده، پدر و مادر اصلی، مرکز ثقل خانواده را تشکیل می‌دهند و پسرها، نوه‌ها و عروس‌ها از آنها اطاعت می‌کنند و اگر پدر و مادر به علت سالخورده‌گی نتوانند وظایف سرپرستی را انجام دهند، پسر ارشد جای آنها را می‌گیرد. دخترها پس از ازدواج خانه پدری را ترک می‌کنند؛ بنابراین، اغلب،



تغییر الگو و عناصر فرهنگی از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای ❖ ۱۵

خانواده گسترده به شکل پدرمکانی است و مواردی که داماد در خانه پدرزن مسکن گزیند، نادر است. در این نوع خانواده پدر نقش اصلی را در تربیت فرزندان به عهده دارد و دایره همسرگزینی محدود و تعهدات اجتماعی زیاد است.

همچنین، اغلب، فرزندان به دنبال شغل پدر می‌روند و وظایف متعددی بر عهده خانواده است. شیوه تولید خانوادگی و همیاری و تعاون مترتب بر آن، اجتماعی کردن و فرهنگی کردن کودکان، نگهداری از پیران و حمایت کامل از اعضا، از جمله وظایف سنگین این خانواده است. (همان: ۱۶۹)

دگرگونی خانواده ایرانی در نیم قرن اخیر آرام و کند، اما مستمر و قاطع بوده است. زمانی طولانی، شکلی از خانواده در این سرزمین وجود داشت که جامعه‌شناسان آن را با اصطلاح کلی «خانواده گسترده» وصف کرده‌اند. این خانواده بر اساس شرایع اسلام و سنت‌های ایرانی بود، مذهب، سنت و شیوه تولید اقتصادی جوامع کشاورزی مبنای آن را تشکیل می‌داد و این خانواده بر پایه «پدرتباری»، «پدرمکانی» و «اولویت جنس مذکر» استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیر نظر پدر اداره می‌شد. خانواده، واحد تولید و مصرف بود و این امر نه تنها در روستاها بلکه در شهرها نیز که مراکز مهم صنایع دستی بودند، به چشم می‌خورد. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزندآوری و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد. فرزندان نام و نشان از پدر می‌بردند و سرای خانوادگی، نسل‌های متعدد را در خود جای می‌داد و پاسداشت سنت‌ها بود. مقررات ازدواج و طلاق و ارث و نگهداری فرزندان بر اساس فقه اسلامی استوار بود و روابط افراد خانواده بر سلسله مراتبی مبتنی بود که همه قبول داشتند. (بهنام، پیشین: ۱۳ و ۱۴)

خانواده هسته‌ای

خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است که از دو نسل والدین و فرزندان تشکیل شده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۴۲). خانواده هسته‌ای وجه مشخصه جوامع

صنعتی جدید است. به نظر می‌رسد تسلط آن از تحرک اجتماعی و نیز از رشد فردگرایی که در مالکیت، حقوق و آرمان‌های اجتماعی عموم مردم در مورد سعادت و رضایت خاطر فردی منعکس است، ناشی شده باشد. (باتامور، ۱۳۵۶:۱۹۲)



خانواده هسته‌ای، واحدی بسیار مهم از نظام اجتماعی در جامعه ایرانی است و نه تنها به عنوان جزئی از ساختمان بزرگ اجتماع، بلکه به عنوان چارچوب و پایگاه جامع حمایتی برای اعضای آن محسوب می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد که در بین ایرانیان، میزان احساس تعلق به خانواده، بیشتر از موضع‌گیری فردی‌شان است. البته این به معنای فقدان فردیت در آنها نیست. آنها، هم به عنوان عضوی از خانواده و هم به عنوان اشخاص با حقوق فردی خودشان شناخته می‌شوند. در جایگاه خانواده، وظایف و الزامات، میان همه اعضا تقسیم و تسهیم می‌شود. کمک‌های عاطفی و مالی اعضای خانواده به یکدیگر و در شکل دیگر، به هنگام نیاز، به شکل اعتبار (خوب) خانوادگی که برای هر کسی برتری و اولویت اصلی را دارد، درمی‌آید. در ازای آن هر یک از

تغییر الگو و عناصر فرهنگی از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای ❖ ۱۷



شماره ۳۱ / زمستان ۱۳۹۱

اعضای خانواده می‌تواند همین تعهد را از سایر اعضای خانواده نیز توقع داشته باشد. (بیمن، ۱۹۸۶: ۱۲)

مشخصات اصلی خانواده هسته‌ای عبارت‌اند از:

الف) محدودیت ابعاد خانواده از نظر اسلاف: خانواده هسته‌ای معمولاً جدا از والدین یا اقوام زوجین زندگی می‌کنند.

ب) محدودیت خانواده از نظر تعداد فرزندان: این نوع خانواده معمولاً با تعداد اندکی از کودکان تشکیل می‌شود، چنانچه در برخی موارد در کشورهای غربی جایگزینی نسل، به دلیل کمی زاد و ولد، دچار اشکال شده است.

ج) افقی بودن هرم قدرت: در خانواده هسته‌ای به طور معمول، تصمیمات اساسی خانه از طریق گفتگو و تبادل نظر اتخاذ می‌شود. برخی همچون «پارسونز» معتقدند: چنین خانواده‌ای بسیار عقلانی است؛ زیرا همواره عقل و منطق بر آن حاکم است و در اتخاذ تصمیمات اساسی، هر یک از ساکنان خانه که دارای منطق قوی‌تری است، حق تصمیم‌گیری می‌یابد.

د) نو مکانی: خانواده هسته‌ای بر حسب معمول در محلی جدا از والدین یا اقوام زوجین تشکیل می‌شود و همین امر در افقی شدن هرم قدرت مؤثر است. هر چند خانواده هسته‌ای با جامعه جدید صنعتی سازگار است و بالاترین امکان تحرک جغرافیایی را فراهم می‌آورد، اما جدا شدن از پیران، سختی‌هایی را برای این نسل پدید می‌آورد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۴۲)

ه) از ویژگی‌های دیگر این نوع خانواده آن است که کارکردهای خانواده به دلیل اشتغال والدین و تخصصی شدن نهادها، به عهده مؤسساتی خارج از محیط خانواده قرار گرفته است.

و) گسترش نیافتن خانواده هسته‌ای: خانواده هسته‌ای گسترش نمی‌یابد، زیرا به مجرد آنکه فرزندان به سن قانونی برسند و وارد اجتماع شوند، به عنوان عضوی فعال به دنبال اشتغال و تشکیل زندگی جدید می‌روند و خانواده‌ای مستقل و جدید پدید می‌آورند. همچنین، خانواده هسته‌ای به سه حالت می‌تواند وجود داشته باشد:

۱. خانواده هسته‌ای یا خانواده زن و شوهری مستقل؛ که در این حالت خانواده، تعهدات اجتماعی کمی نسبت به شبکه خویشاوندی دارد و دارای استقلال مالی است.
۲. خانواده هسته‌ای، تحت انقیاد خانواده چندهمسری یا خانواده گسترده قرار دارد، مانند حالاتی که یک مرد دارای چندین زن است یا زن و شوهر، چند سال ابتدایی زندگی خود را به دلیل نبود استقلال مالی، نزد خانواده زن یا شوهر زندگی می‌کنند.
۳. خانواده هسته‌ای مهاجر که بیشتر به دلیل آنکه شغل مناسبی در محیط‌های کوچک یا روستایی وجود ندارد، پس از ازدواج، زن و شوهر از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند؛ از نمونه‌های آن می‌توان حاشیه‌نشینی در شهرها را نام برد. چنین خانواده هسته‌ای فقط به لحاظ مکانی مجزاً زندگی می‌کند، اما وابستگی‌های قبلی به خانواده پدر و مادری به شدت ادامه دارد. (پایگاه اطلاع‌رسانی پژوه)

تغییر در عناصر فرهنگی خانواده از سنت تا تجدد

خانواده ایرانی طی دهه‌های گذشته، دگرگونی‌های چشمگیری داشته است. درک این دگرگونی‌ها و پیش‌بینی آثار و عواقب آن از ابعاد مختلف، می‌تواند به رویارویی بهتر با فضاها درون خانواده در آینده، ظهور آسیب‌های جدید، تحولات ناشی از مدرنیته و تأثیر منفی آن بر روابط اعضای خانواده و تعامل خانواده‌ها با یکدیگر بینجامد. بر این اساس به برخی از تغییرات به وجود آمده در گذر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای اشاره می‌شود:

۱. تغییر در ساختار خانواده

وابستگی به خانواده به عنوان یک ارزش از سال‌ها پیش در چارچوب الگوهای فرهنگی حاکم بر جامعه ایرانی مورد توجه بوده است و این نکته‌ای است که مورد تأیید بسیاری از سیاحان خارجی نیز قرار گرفته است. پولاک که در دربار قاجاریه به کار پزشکی می‌پرداخت، در سفرنامه خود یادآوری کرده



است که «ایرانی تا آن اندازه در خانواده ریشه دارد که هر کاری از دستش برآید برای آن می‌کند، کارش با خانواده بالا می‌گیرد و با آن سقوط می‌کند و کاملاً در احساس افتخار و سرافکندگی هر یک از افراد فامیل خود شریک است، درست مانند اینکه ماجرا بر خود وی رفته باشد. پس از خویش و قوم، «طایفه» و پس از آن «ولایت» برایش اهمیت دارد و سرافرازانه می‌گوید که «خویش و قوم و طایفه» دارم (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۶۰). در حال حاضر در شهرها و شهرستان‌ها هنوز عصبیت‌های قومی این چنینی قابل مشاهده است، اما در خانواده‌های هسته‌ای، بویژه در پایتخت این عصبیت قومی جای خود را به فردیت و تفاخر و دفاع از پایگاه اجتماعی فردی و خانوادگی داده است و کمتر می‌توان از تعصب‌های قومی نشانی یافت.

۲. تغییر در انتقال ارزش‌ها

«اگر در تمامی قرن‌ها، خانواده انحصار آموزشی و انتقال حیات را در خود می‌دید، حال چنین نیست. فرزندان امروز از سرچشمه‌هایی دیگر و از جمله وسایل ارتباط جمعی بسیار چیزها فرامی‌گیرند. آنان کمتر تحت تأثیر والدین و به طور کلی بزرگ‌ترهای خانه‌اند. زمانی نیز که بین ارزش‌های خانه و ارزش‌هایی که از طریق وسایل ارتباط جمعی ارائه می‌شود، تعارض رخ می‌دهد، به نظر چنین می‌رسد که قدرت غالب از آن وسایل همه‌گیر و همه‌جا حاضر ارتباط جمعی است. بنابراین، می‌توان گفت که خانه جدید از بزرگ‌ترین امتیاز سنتی خود خالی گشته یا آنکه دست کم در برابر رقبایی «تیزچنگ» قرار گرفته است» (ساروخانی، پیشین: ۱۵). انتقال ارزش‌ها در خانواده گسترده از طریق اعضای خانواده صورت می‌گرفت و کانون‌های آموزش همچون مکتبخانه، مدرسه و مسجد در مراحل بعد بودند، اما در حال حاضر و با توجه به تأثیر رسانه‌ها و حضور مستمر آن در خانواده، الگوهای رفتاری و ارزشی اعضای خانواده و بویژه کودکان از سوی رسانه‌ها تعیین می‌شود.

۳. قصور در تربیت دینی فرزندان

یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌پذیری تربیت دینی نوجوانان و جوانان، بویژه در عصر حاضر (در خانواده هسته‌ای)، معلول سهل‌انگاری و اتخاذ شیوه بی‌تفاوتی بیش از حد خانواده‌ها در تربیت دینی فرزندان است. امروزه پرداختن والدین به رفع تنگنایهای اقتصادی و دغدغه نان و لباس و تحصیل فرزندان، استفاده نکردن از روش‌های صحیح آموزش و تربیت و سستی بعضی خانواده‌ها در ارزش‌های اخلاقی و دینی، نقش نهاد



خانواده را در تربیت دینی کمرنگ کرده است (محمودی و میرمقتدایی، ۱۳۸۹: ۱۶۴). حضور و شرکت در مناسک و آیین‌های دینی و ملی میان اعضای خانواده گسترده امری مهم و لازم بود و اعضای خانواده در آیین‌های جمعی، مشارکتی جدی داشتند، اما در میان خانواده هسته‌ای شرکت یا مشارکت در این مراسم کمرنگ شده است. نمونه بارز آن را می‌توان در برگزاری هیئت‌های فامیلی مشاهده کرد. هیئت‌های خانوادگی در سه چهار دهه گذشته در منازل برگزار می‌شد که دارای حیاط و مساحت لازم برای این گونه مجالس بودند و دختران و پسران خانواده مشارکت مستقیمی در برگزاری این مجالس داشتند و این گونه مجالس نوعی انتقال مفاهیم دینی به فرزندان از طریق قرائت قرآن، خواندن دعا، گوش دادن به مطالب سخنران مذهبی بود. اما امروزه به دلیل محدودیت مساحت آپارتمان‌ها و کمرنگ شدن برگزاری چنین مجالسی، انتقال این مفاهیم دینی به جوانان و اعضای خانواده و بالطبع مشارکت در این گونه مجالس بسیار محدود شده است.

۴. تغییر در نحوه انتخاب همسر

با تغییر الگوی خانواده از گسترده به هسته‌ای، نحوه انتخاب همسر نیز در بسیاری جوامع تغییر یافته است، زیرا در خانواده گسترده، ازدواج مبتنی بر تصمیمات و نظریات افراد و اعضای خانواده بود، ولی با هسته‌ای شدن خانواده، حق انتخاب آزاد همسر در جامعه هنجار شده است؛ آزادی عمل زنان در ازدواج، تصمیم‌گیری در خانواده، عادی شدن طلاق و موارد مشابه، از جمله تغییرات ازدواج و خانواده محسوب می‌شود.



به دنبال تغییر در نظام هنجاری جامعه، تغییر در ارزش‌ها و گسترش شهرنشینی، رفع محدودیت در روابط بین دو جنس مخالف، کاهش یافته که به نوبه خود بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش‌های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. (شیخی، ۱۳۸۲: ۵۴)

۵. تحصیلات و افزایش سن ازدواج

شکل جدید خانواده، ارزش‌های جدیدی را نیز به همراه خود داشته است که متفاوت از ارزش‌های خانواده گسترده و سنتی است. تغییر عمده این موضوع در ایران ناشی از اقتصاد نفتی بوده است. به عبارتی، اقتصاد نفتی و نه

۲۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

صنعتی در ایران، باعث شکل‌گیری رانت نفتی شده است. در ایران فرایند صنعتی‌شدن اتفاق نیفتاده و افراد از درآمد حاصل از فروش نفت به ثروت رسیده‌اند. بنابراین، اتفاقی که در ایران افتاده این است که جامعه ایران گذر از منابع درآمدی محدود و روستایی را به درآمد نفتی و سیستم رانتی نفتی تجربه کرده که این باعث دگرگونی نظام‌های ارزشی در جامعه و خانواده‌ها شده است. این مسئله نیز به نوبه خود، تغییراتی را در نقش و موقعیت افراد در داخل خانواده‌ها موجب شده است. از جمله اینکه زنان بیش از گذشته با ورود به دانشگاه‌ها، سرمایه فرهنگی خود را افزایش داده و تنها راه ارتقای سرمایه فرهنگی خود را بالا بردن سطح تحصیلات دانسته‌اند که این امر، خود باعث افزایش سن ازدواج شده است.

چالش‌های میان ارزش‌های سنتی و مدرن، ورود فناوری و فرهنگ نهفته در بطن آن به علاوه تحولات عمیق و گسترده سیاسی و اقتصادی و پیدایی طبقه متوسط شهری، افزایش بی‌سابقه مصرف کالاهای جدید و همچنین ورود امکانات جدید ارتباطی نظیر اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای به زندگی شهروندان، موجب تغییرات ارزشی شدید در جامعه ما شده‌اند. (آزاد ارمکی و خادمی، ۱۳۸۲: ۱۲)

۶. تغییر سبک زندگی

خانواده گسترده که درون یک چهاردیواری بزرگ شامل اتاق‌ها و حیاط مشترک بود و در آن اعضای خانواده با هم زندگی می‌کردند، دارای سبک خاص زندگی نیز بودند. خرج مشترک، سفره مشترک، پخت غذای مشترک، برگزاری مهمانی مشترک و استفاده از وسایل زندگی معمولی و غیر لوکس شکلی از زندگی بود که کمابیش در خانواده گسترده رواج داشت. اما با گسترش و تعمیم خانواده هسته‌ای در شهرها، سبک زندگی سنتی متناسب با خانواده گسترده، تغییر یافت و خانواده هسته‌ای به شکل جدیدی از سبک زندگی متناسب با مظاهر شهری مأنوس شد؛ آپارتمان‌نشینی در ابعاد کوچک و



در دسترس بودن سرویس و آشپزخانه (آپن) در یک مجموعه کم‌مساحت، استفاده از تخت‌خواب و میز ناهارخوری، اتاق مخصوص کودک، استفاده از انواع وسایل برقی همچون جارو برقی، دستگاه صوتی و تصویری، ماشین لباسشویی و ... که در عین راحتی سنت‌های رفتاری جدیدی را نیز در کنار آنها به وجود آورد.

۷. اشتغال زن و مرد

در عصر کشاورزی، خانواده مهم‌ترین کانون اقتصادی تلقی می‌شد و کار با خانواده ارتباط نزدیکی داشت. مرد بیرون از خانواده کار می‌کرد و زن برای مراقبت از فرزندان در خانه باقی می‌ماند. امروزه تنها ۵۱/۵ درصد از بچه‌ها نزد مادرشان در منزل نگهداری می‌شوند. در ۲۸ درصد مواقع پدر و مادر، هر دو کار می‌کنند و درصد خانواده‌هایی که هیچ یک از والدین برای نگهداری فرزندان در خانه حضور ندارند، رو به فزونی است. این روند حاکی از وجود تضاد بین کار و خانواده است (سنگه، ۱۳۸۰: ۳۹۵). از این رو در خانواده هسته‌ای فرزندان از سنین کم در مهدکودک حضور دارند و زنان نیز به کارهای با درآمدهای متفاوت مشغول‌اند که این درآمد بخشی از هزینه‌های زندگی شهری را تأمین می‌کند.

۸. دگرگونی مناسبات و مناسک خانوادگی

در این خصوص کافی است به یک نمونه از این دگرگونی‌ها از خانواده گسترده به هسته‌ای اشاره کنیم. مثلاً در خانواده گسترده سفره و گستردگی آن موجب می‌شد که همه اعضای خانواده در سه نوبت دور آن بنشینند و غذای پخته شده از سوی مادر، مادر بزرگ یا کدبانوی دیگر مانند عروس و دختران را میل کنند. افراد، چهره به چهره به نقل اتفاقات روزمره و در کنار آن یافتن راه حلی برای مشکلات به وجود آمده می‌پرداختند. اما با دگرگونی خانواده «سفره کم‌کم از خانه‌ها بیرون آمده است. رستوران، کافی‌شاپ و چایخانه مجموعه

مؤسساتی شدند که به تدریج کارکرد غذایی خانواده را از آن گرفتند. حتی محیط کاری رستوران‌هایی شدند که اکثریت جامعه در آنجا غذا می‌خورند» (فاضلی، ۱۳۹۱: ۳۹۱). کاهش کارکرد غذایی خانواده، به معنای کاهش مناسبات افراد خانواده است؛ چرا که سفره محلی است که ما در کنار آن خاطره جمعی و خانوادگی را شکل می‌دهیم و درباره خود با دیگری صحبت می‌کنیم.



۹. مهر و عطوفت خانواده ایرانی

عطوفت و مهر بین اعضای خانواده ایرانی هنوز مثال زدنی و نمونه است. یعنی در مقایسه با شاخص‌های جهانی باید اذعان کرد که عطوفت و علاقه افراد یک خانواده در ایران هنوز پررنگ و غیرقابل چشم‌پوشی است که نکته بسیار مثبتی است. رابطه بین فرزندان و والدین و فرزندان با یکدیگر روابط بسیار مثبت و پر از صداقت، صمیمیت و احساسات است، اما روابط احساسی فرزندان با پدر و مادر، بویژه در سنین بالاتر کمرنگ‌تر شده است و متأسفانه الزام نگهداری از پدر و مادر در سن کهولت برای بسیاری از فرزندان، بویژه در خانواده‌های هسته‌ای کمتر شده است.



جمع‌بندی

آنچه مسلم است در ایران، خانواده گسترده به تدریج در حال محو شدن است. با وجود این، شکل جدیدی از خانواده گسترده به وجود آمده که در آن، هم‌مکانی و مرجعیت وجود ندارد، اما سطح مناسبات و مراودات به گونه‌ای است که در فضای امروزی شکل جدیدی به خود گرفته است. درحقیقت خانواده گسترده، در شکل قدیمی خود کمتر وجود دارد، اما از سوی دیگر، خانواده هسته‌ای موجود در ایران که در دوران نابودی خانواده گسترده به وجود آمده است، همانند نمونه غربی آن نیست. یعنی درست است که در خانواده هسته‌ای ایرانی، فرزندان با پدربزرگ و مادربزرگ خود در یک خانه و محل زندگی نمی‌کنند، اما به تمامی از پدربزرگ و مادربزرگ خود نگسسته‌اند و هنوز شکل‌هایی از همزیستی نسل‌های متوالی را می‌توان مشاهده کرد. بی‌تردید، در حال حاضر می‌توان به راحتی اشکال مختلف تجدد را در خانواده هسته‌ای امروزی مشاهده کرد. این تغییرات که در طی زمان به وجود آمده، شکل جدیدی از خانواده را در شهرهای بزرگ شکل داده است؛ به طوری که بازگشت به دوران خانواده گسترده را غیرممکن؛ اما دگرگونی و تغییر در الگوی خانواده هسته‌ای امروزی را در آینده، ممکن ساخته است.

منابع

الف) کتاب

۱. باتامور، تی. بی. (۱۳۵۶) *جامعه‌شناسی*، ترجمه سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی کلچاهی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۲. بهنام، جمشید (۱۳۵۲) *ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران*، تهران: خوارزمی.
۳. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸) *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
۵. سنگه، پیتر (۱۳۸۰) *پنجمین فرمان*، ترجمه کمال هدایت و محمد روشن، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۶. شیخی، محمدتقی (۱۳۸۲) *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
۷. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱) *فرهنگ و شهر*، تهران: تیسرا.
۸. مقصودی، منیژه (۱۳۸۶) *انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی*، تهران: شیرازه.
۹. وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۱) *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: خردمند.

ب) مقاله

۱. آزاد ارمکی، تقی و خادمی، حسن (۱۳۸۲) «ترجیحات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی»، نامه پژوهش فرهنگی (فصلنامه تحقیقات فرهنگی)، س ۸، ش ۸.

تغییر الگو و عناصر فرهنگی از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای ❖ ۲۷



شماره ۳۱ / زمستان ۱۳۹۱

۲. محمودی، محمود و میرمقتدایی، زهره‌السادات (۱۳۸۹) «نقش خانواده در تثبیت یا تزلزل تربیت دینی»، *آینده‌پژوهی مسائل خانواده*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

ج) تارنمای مجازی

«پایگاه اطلاع‌رسانی پژوه» مشاهده شده در تاریخ ۹۰/۶/۲۹ در:

<http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=۲۹۶۱۵>

د) انگلیسی

Beeman, William O. (1986) **Language, Status and Power in Iran**, Indiana University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی